



## یاکوب ادوارد پولاک نخستین استاد پزشکی دارالفنون

باز خوانی روند استخدام نخستین معلمان خارجی در ایران به مناسبت سالروز تأسیس «دارالفنون»

# تعامل عزتمندانه «امیر کبیر» بانخبگان غربی

جواد نوائیان رودسری

info@khorasannews.com

اعزام محصلان به اروپا، برای فراگیری علوم جدید، در دوران فتحعلی شاه قاجار آغاز شد؛ البته نه به واسطه تیزبینی و درایت او، بلکه به اهتمام فرزندش، عباس میرزا نایب السلطنه که نگاهش به آینده و تلاشش برای تمشیت امور، بسیار بهتر از پدر بود. با آغاز اعزام محصلان به اروپا، موضوعی که ذهن بسیاری از رجال و سیاستمداران وطن دوست را به خود جلب کرد، این بود که آیا امکان ایجاد مرکزی برای آموزش علوم نوین به جوانان ایران، در داخل کشور وجود دارد؟ این اقدام نیاز به برنامه ریزی دقیق و اختصاص بودجه ویژه داشت و به اصطلاح، پر دنگ و فنگ بود؛ اما ایجاد چنین مرکزی در کشور، پیامدهای مثبت فراوانی داشت که نمی شد از آن ها صرف نظر کرد؛ اولاً، جوانان باهوش بیشتری می توانستند از موهبت فراگیری علوم جدید بر خوردار شوند؛ ثانیاً، دانش آموختگان مراکز علمی داخلی قادر بودند پس از مدتی، کشور را از حضور و فعالیت کارشناسان و مستشاران خارجی بی نیاز کنند. با این حال، شرایط پیچیده پس از در گذشت عباس میرزا، مرگی که برخی از مورخان آن را مشکوک می دانند، باعث شد که برای مدتی، فکر ایجاد مرکز آموزش علوم نوین، در ایران کنار گذاشته شود و حتی در دوره صدارت قائم مقام فرحانی، در عهد محمدشاه قاجار نیز، اقدامی عملی برای تأسیس چنین مرکزی انجام نگیرد.

### ■ امیر کبیر چراغ روشن کرد

با آغاز صدارت میرزاتقی خان امیر کبیر و شروع اصلاحات همه جانبه او برای خارج کردن ایران از شرایط ناپه سامانی که در آن گرفتار شده بود، تأسیس مدرسه ای برای آموزش دادن علوم نوین، در دستور کار متولیان امر قرار گرفت. امیر، به خوبی از نقش مدارس عالی در ایجاد تحول در جامعه باخبر بود. او در سفرش به سن پترزبورگ، پس از قتل گریبایدوف، از مدارس عالی دیدار کرد و دریافت که بهترین راه برای تجهیز ایران به علوم جدید، آوردن معلمان اروپایی به ایران و آموزش جوانان ایرانی در سرزمین مادری است. امیر دارالترجمه ای داشت که مترجمان در آن، به صورت منظم، اخبار روزنامه ها و مقالات علمی را برای او ترجمه می کردند. خود وی نیز گاه به افرادی سفارش ترجمه کتاب می داد، چنان که از قاضی شاعر خواست کتابی را درباره کشاورزی، از فرانسوی به فارسی ترجمه کند. احتمال دارد شاکله و ساختار نخستین مرکز آموزش عالی مدرن ایران طی همین مطالعات در ذهن امیر کبیر شکل گرفته باشد. او برای تعریف رشته های مورد نیاز در مرکز آموزشی

مد نظرش، دقت و حساسیت فراوانی داشت؛ امیر از آن دست مدیرانی نبود که پول بیت المال را بیهوده خرج کند. او اعتقاد داشت که تعریف رشته های آموزشی، باید در راستای نیازهای کشور باشد. به همین دلیل، افزون بر علوم نظامی، مانند پیاده نظام، فرماندهی و توپخانه، رشته های مهندسی، ریاضیات، نقشه کشی، معدن شناسی، فیزیک، شیمی، داروسازی، پزشکی و جراحی، تاریخ، جغرافیا و زبان های خارجی را هم برای تدریس در مدرسه جدید، ضروری می دانست. نگاهی به این تنوع رشته، نشان می دهد که امیر، بیش از فنون نظامی، به فکر گسترش و استفاده از علوم پایه و کاربردی بود. در هفت شعبه یا شاید دانشکده ای که او برای مدرسه پیش بینی کرده بود، رشته های مختلف تدریس و گاه برخی علوم در چند شعبه آموزش داده می شد.

### ■ سنگ بنای دارالفنون در ارگ شاهی

سنگ بنای تأسیس مدرسه عالی جدید، در زمینی واقع در بخش شمالی ارگ شاهی تهران، جایی که پیش از آن سربازخانه بود، گذاشته شد. هنوز عنوانی برای مدرسه انتخاب نکرده بودند. امیر کبیر در برخی نامه هایش از مدرسه در حال ساخت، با عنوان «نظامیه» یاد می کرد که یادگار مدارسی بود که توسط خواجه نظام الملک توسی تأسیس شد و در امر آموزش علوم و فنون دوران خود، شهرتی تمام داشت. توجه امیر به این موضوع نشان می دهد که او چه اندازه به بومی سازی و استفاده از داشته های خودی، اصرار می ورزیده است. مدتی بعد، از نام «دارالفنون» در مکاتبات استفاده شد و رسمیت یافت. میرزا رضای مهندس، یکی از محصلانی که در عهد عباس میرزا برای فراگیری معماری به اروپا اعزام شده بود، کار طراحی بنارابرعهده گرفت و محمدتقی خان، معمار باشی دولت، اجرا و ساخت بنا را مدیریت کرد. ساختمان دارالفنون در سال ۱۲۶۹ ه.ق به پایان رسید. دور تا دور

ضرورت، معلم پیاده نظام یک نفر، معلم توپخانه یک نفر، معلم علم هندسه یک نفر، معلم علم معادن یک نفر، معلم حکمت و جراحی و تشریح یک نفر، معلم سواره نظام یک نفر... آن عالیجه مأمور و مرخص است که به مملکت نمسا (اتریش) و پروس رفته، معلم های مزبور را از قرار تفصیل فوق، تا مدت شش ماه سال اجیر کرده... هر قراری که آن عالیجه بدهد در نزد او لای دولت ابد مدت مقبول و مضی است.»

### ■ رؤیای ناتمام میرزاتقی خان

«جان داودخان» به اتریش و پروس رفت و معلم های مورد نیاز را استخدام کرد. امیر در نامه ای به او نوشت که «هر چه زودتر بیاید، دیر است!» حق با میرزاتقی خان بود؛ هنگامی که معلمان به تهران رسیدند، دیگر امیر کبیر صدر اعظم شاه نبود. او مدتی بعد، در غربت و عزلت، در حمام فین کاشان، مظلومانه به شهادت رسید. مخبر الملک، نوه ر ضاقلی خان هدایت، درباره فرجام دارالفنون، پس از برکناری و شهادت امیر کبیر می نویسد: «قبل از این که معلمین وارد شوند، عذر آن وزیر بزرگ را خواستند و شاید می خواستند که در آن مدرسه راهم ببندند. ولی چون معلم خواسته و بنایی برپا شده بود، دیگر خجالت کشیدند آن را منهدم سازند.» به این ترتیب، دارالفنون به حیات خود ادامه داد و پایه ای برای مدارس نوین بعدی شد؛ ولی نه بر آن روشی که میرزاتقی خان در صدد اجرای آن بود.

### منابع:

امیر کبیر و ایران؛ فریدون آدمیت؛ انتشارات خوارزمی؛ ۱۳۶۲  
زندگی میرزاتقی خان امیر کبیر؛ حسین مکی؛ انتشارات ایران؛ ۱۳۶۶  
میرزاتقی خان امیر کبیر؛ عباس اقبال آشتیانی؛ انتشارات نگاه؛ ۱۳۹۲

## گزارش تاریخی

شباهت سیاست های  
آتاتورک و رضاشاه

### نخبه کشی های دو دیکتاتور



رضاشاه در ابتدا با کمک برخی روشنفکران و نخبران جامعه بر تخت سلطنت تکیه زد، اما پس از به قدرت رسیدن، آن ها را افرادی سر به راه و اطاعت پذیر می خواست تا کابینه ای دلخواه داشته باشد؛ وزرا با وجود دارا بودن تحصیلات مناسب، باید همگی گوش به فرمان شاه می بودند. به گزارش جدید مشارکت کرده بودند، پیش از آنان به هنگام خطاب قرار دادن پادشاه، به اصطلاحات قدیمی توسل می جستند و خود را چاکران وی می خواندند. این چاپلوسی حقیرانه، به واسطه سر نوشت گروه سه نفره ای که در شکل گیری رژیم جدید مشارکت کرده بودند، پیش از گذشته تقویت شد: عبدالحسین خان تیمورتاش، علی اکبر خان داور و فیروز میرزا فرمانفرمایان که رضاشاه، به رسم حذف نخبران، هر سه آن ها را از میان برداشت.

در ترکیه نیز، آتاتورک، همتای رضاشاه، شیوه ای کاملاً مشابه داشت. او در مسیر رسیدن به ریاست جمهوری ترکیه، راه پرفراز و نشیبی را پیمود. آتاتورک هم، مانند رضاشاه، نخبگانی را که در سیدن به قدرت به او کمک کرده بودند، اما در ادامه به مخالفت با وی برخاستند، از بین برد. پس از آغاز ریاست جمهوری آتاتورک، ترکیه به صورت کشوری مستقل درآمد، ولی مردمش گرسنه بودند و مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم می کردند. یکی از کسانی که به دلیل شرایط موجود، در برابر آتاتورک ایستاد، سرهنگ عارف بود. او به عنوان یک سیاستمدار ناراضی، از نمایندگی مجلس استعفا و حزب مخالفی را به نام «پیشرو خلق» تأسیس کرد. مصطفی کمال خویشن داری کرد و منتظر فرصت مناسب برای انتقام از کسانی که از او روی گردانده بودند، از جمله سرهنگ عارف، ماند. آتاتورک این فرصت را در بهار ۱۳۰۵، به دست آورد؛ فردی به نام «ضیا خورشید» ادعا کرد که قصد کشتن او را داشته است. معلوم نیست سرهنگ عارف تا چه حد با این توطئه مربوط بود، ولی متهم شد که «خورشید» یک بار به خانه او رفته است. پلیس اقدام به بازداشت دسته جمعی سیاستمداران مخالف آتاتورک کرد که سرهنگ عارف هم در میان آنان بود. یک محاکمه نمایشی در سینمای الحمرات ترتیب داده شد و قاضی، کلیه سیاستمداران مخالف آتاتورک را، بدون استثنا، به اعدام محکوم کرد. در مقام مقایسه، برخورد رضاشاه و آتاتورک با نخبگانی که در ابتدا همراه آن ها بودند و سپس به مخالفت برخاستند، در نتیجه یکسان، اما در روش متفاوت بود. رضاشاه خود را قالب و محتوای قانون می دانست و بر این اساس، به راحتی نخبران مخالف را از بین می برد؛ اما آتاتورک با توسل به راه های به ظاهر قانونی و با اتهام زنی و جرم تراشی، نخبران مخالف خود را از بین می برد.

### مادر عزیزمان

### حاجیه خانم طاهره اکبرزاده

در دومین سالگرد هجران

### مرحوم حاج ابراهیم فانی

مرهون مهربانیا و قدردان فداکاریهایتان هستیم.

### فرزندان

۰۹۱۷۱۲۲۲۷

پذیرش غیر ضروری آگهی های

تبریک، تقدیر و تشکر

پذیرش تلفنی :

۳۷۰۰ ۹۹۹۹

پذیرش تلفناری :

۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰

خبرسان روزنامه صبح ایران  
پنج شنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۷. ۱۲ ربيع الثاني ۱۴۴۰. شماره ۱۹۹۹۱

پولاک، اصالتاً آتریشی بود و با دعوت امیر کبیر، برای تدریس پزشکی نوین به ایران آمد. وی به همراه دیگر استادان آتریشی دارالفنون، مدتی قبل از افتتاح مدرسه، به تهران رسید. کتاب پولاک درباره آموزش پزشکی، نخستین کتابی است که درباره طب نوین، به زبان فارسی، در ایران منتشر شده است. او ۱۰ سال، طبیب مخصوص ناصرالدین شاه بود و بعدها به کشور بازگشت و در سال ۱۸۹۱ میلادی درگذشت.

## گفت و گو

● ● ●

«کامران شیردل» از خاطرات روزهای  
انقلاب می گوید

### بروروی دوش من و فیلم بگیر!



استاد کامران شیردل از پیشگامان سینمای مستند در ایران به شمار می آید که در کنار ساخت فیلم، به عکاسی نیز، اهتمام ویژه ای داشته است. وی در گفت و گویی با پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، به برخی خاطرات خود از دوران انقلاب اشاره کرده است که فرازهایی از آن در پی می آید.

### از خاطرات شیرین روزهای پرتلاهب انقلاب بگویید.

خانه من در خیابان بهار بود و من هر روز صبح، پیاده به طرف خیابان انقلاب میدان آزادی که اغلب مرکز تظاهرات بود، راه می افتادم. یک بار صدای درگیری را شنیدم. می دانستم تاخواهم به صحنه درگیری برسم، فرصت از دست رفته است و تصمیم گرفتم جای بلندی را پیدا کنم و از آن جایی فیلم بگیرم. دنبال راهی می گشتم که خانم چادری مسنی گفت: «بیا بروی شانه من و فیلمت را بگیر!» من باورم نمی شد و فکر می کردم شوخی می کند؛ ولی او کاملاً جدی بود و با لحن محکم و قاطعی به من حکم کرد که این کار را بکنم! دیدم علاقه و تعهد او برای ثبت آن صحنه ها، خیلی بیشتر از من است. البته من این کار را نکردم، ولی واقعا عمل او، خیلی بر ایم عجیب و به یادماندنی بود. آن روزها به هر خانه ای که پناه می بردیم، در آن به روی ما باز بود. بارها پیش آمد که در این خانه ها، سر سفره شان نشستیم و با آن ها هم غذا شدم. مرا پنهان کردند و از روی پشت بام با فراری ام دادند. مرا به اتاق های خصوصی خود بردند تا بتوانم از آن بالا و از پنجره هایشان فیلم برداری کنم.

## ۲۶ آذر لغایت ۱ دیماه

# هفته حمل و نقل، رانندگان و راهداری

## بر فعالان عرصه حمل و نقل جاده ای و سخت کوشان راهدار گرامی باد.

روابط عمومی اداره کل  
راهداری و حمل و نقل جاده ای استان قم

**آگهی فراخوان مناقصه عمومی شماره ۰۱/۰۷/۹۷ و ۰۲/۰۷/۹۷**

**خرید انواع کابل خودنگهدار**

**مورد نیاز پروژه های توسعه روستایی عوارض برق (نوبت دوم)**

**شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی**

این شرکت در نظر دارد خرید انواع کابل خود نگهدار مورد نیاز پروژه های توسعه روستایی عوارض برق خود را از محل اعتبارات طرح تملک دارائی های سرمایه ای ( عمرانی) با مبلغ برآوردی ۱۶/۷۱۵ میلیون ریال، از طریق مناقصه عمومی و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) خریداری نماید. لذا از تمامی شرکت های واجد صلاحیت دعوت می شود جهت کسب اطلاعات تکمیلی به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) مراجعه نمایند.

**دفتر روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی**

۰۲۱/۷۱۲۲۶۰

**هرکس در مقابل خوبی مردم تشکر نکند، از خداوند عزوجل تشکر نکرده**

**امام رضا (ع)**

بدینوسیله لازم می دانیم از زحمات بی دریغ و دلسوزانه کلیه پزشکان، پرستاران، کمک بهیاران، خدمات و حراست بخش جراحی بیمارستان امام رضا (ع) ۶۱۰ که در طول بستری نهایت لطف و محبت خود را شامل حال ما نمودند قدردانی نمائیم. خداوند متعال لطف و رحمت خود را شامل حال این عزیزان نموده و نگهدارشان باشد.

**پزشکان محترم: آقای دکتر جنگجو، آقای دکتر سروقد**

**آقای دکتر توسلی و آقای دکتر زندی**

**سرپرستار بخش: سرکار خانم مختارزاده**

**مسئولین: خانم رادفر، خانم مسجدی، خانم کاووسی و خانم کیانی**

**پرستاران: خانم سلیمانی، خانم احمدآبادی، خانم قلی زاده**

**خانم طاهری، خانم قدمیاری، خانم برومند، آقای شعبانزاده**

**آقای فخری، آقای جاویدان، آقای فرخی**

**کمک پرستاران: خانم نجفی، خانم محمدی، خانم پاکدل و خانم وحید**

**دکتر اسماعیل زاده – حسینی**

۰۲۱/۷۱۲۲۹۹